



سوالات مربوط به ماه محرم

مشخصات کتاب

عنوان: سوالات مربوط به ماه محرم

پدیدآورندگان: حسن میرحسینی (تدوین گر)

ناشر مقاله: ره توشه راهیان نور ویژه محرم سال ۱۳۷۹/۱۴۲۱

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: سوگواری ها [۱]

ماه محرم الحرام

فلسفه عزاداری

اشاره

اثرات روانی - اجتماعی مراسم مذهبی مانند دعای کمیل، توسل و عزاداری و فلسفه برگزاری آنها چیست؟ مراسم و جلسات دینی هر یک فلسفه، آثار و نتایج ویژه ای دارند که هر یک جداگانه قابل بررسی هستند:

دعاها

دعا خود از عبادات بسیار با اهمیت است - در روایت آمده: «الدعاء مخ العبادة» [۱] و دارای آثار ارزشمندی است از جمله: ۱- وسیله برقراری رابطه معنوی با خدا و انس و الفت دل با حق تعالی. ۲- توسعه بینش و معرفت نسبت به عظمت مقام ربوبی. ۳-



- آرامش و سکون نفس و دل. ۴- پشیمانی از نافرمانی‌ها و آلودگی‌ها که حقیقت توبه است. ۵- تلقین اعتقادات حق به دل و نفس مانند نبوت، امامت و رهبری معصومین. ۶- تشخیص و تمیز دادن رذایل از فضایل. ۷- زنده سازی و احیای دل و تقویت خوف و رجا که مهمترین محرک به سوی خوبیها و بازدارنده از کژی‌هاست. ۸- ایجاد آرمان‌های بلند چون شهادت طلبی و عشق به جهاد در راه خدا. ۹- سازنده روح مهر و عطوفت نسبت به هموعان. ۱۰- ایجاد کننده روح تعهد اجتماعی و...

مراسم عزاداری

برای آگاهی بیشتر ر. ک: حماسه حسینی شهید مطهری. بویژه برای حضرت سید الشهداء علیه السلام که از افضل قربات است و در طول تاریخ دارای اثر مفید و ارزشمندی بوده از جمله: ۱- احیا و زنده داشتن نهضت عاشورا موجب زنده نگه داشتن و ترویج دائمی مکتب قیام و انقلاب در برابر طاغوت‌هاست و تربیت کننده و پرورش دهنده روح حماسه و ایثار است. ۲- عزاداری نوعی پیوند محکم عاطفی با مظلوم انقلابگر و اعتراض به ستمگر است و به تعبیر استاد مطهری: «گریه بر شهید شرکت در حماسه اوست». ۳- عزاداری برای اهل بیت موجب احیای یاد، نام و فرهنگ و مکتب و هدف آنان است. به عبارت دیگر در شکل یک پیوند روحی، راه آنان به جامعه الهام گشته و پیوستگی پایداری بین پیروان مکتب و رهبران آن برقرار می‌سازد و دیگر گذشت قرون و اعصار نمی‌تواند بین آنها جدایی افکند. همین مساله موجب نفوذ ناپذیری امت از تاثیرات و انحرافات دشمنان می‌گردد و مکتب را همچنان سالم نگه می‌دارد و تحریفات و اعوجاجات را به حداقل می‌رساند. از همین رو است که استعمارگران برای نابودی ملل اسلامی می‌کوشند تا رابطه آنان را با تاریخ پر افتخار صدر اسلام قطع نمایند تا با ایجاد این خلاء زمینه القای فرهنگ خود را فراهم آورند. اینها از آثار اجتماعی عزاداری است و آثار روانی و تربیتی دیگری نیز دارد.



فلسفه عزاداری بر امامان چیست؟

عاشق اگر عاشق باشد، خود می‌گیرد پس چرا با برانگیختن احساساتش اشکش را در بیاوریم و آیا این اشک‌ها نقش تربیتی دارد؟ مساله گریه و عزاداری بر حضرت سید الشهدا علیه السلام از افضل قربات است و فلسفه‌های سازنده و تربیتی متعددی دارد از جمله: ۱- زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی. ۲- الهام روح انقلاب، آزادگی، شهادت‌طلبی، ایثار و حقیقت‌جویی. ۳- پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین. ۴- اقامه مجالس دینی در سطح وسیع و آشنا شدن توده‌ها با معارف دینی. ۵- پالایش روح و تزکیه نفس. ۶- اعلام وفاداری نسبت به مظلوم و مخالفت با ظالم و... اما اینکه اشک و گریه خود به خود به وجود می‌آید یا باید با تلقین و برانگیختن احساسات ایجاد شود، مقوله دیگری است. مسلماً هر مسلمان پاک طینتی با یاد آوردن مصائب ابا عبدالله (ع) و عظمتی که آن حضرت به وجود آورد، اشک سوز و گاه اشک شوق می‌ریزد، ولی مجالس روضه خوانی نقش تذکار و یادآوری دارند نه تلقین و این با خواندن روضه‌های صحیح و واقعی به دست می‌آید، نه پیرایه‌ها و خرافات. در ضمن خلاقیت هنری مانند بیان کردن حقایق با اشعار زیبا یا صدای خوب نیز مساله مهمی است و نقش بسیار ارزنده‌ای در جذب توده‌ها و سیراب کردن عواطف دارد. اصولاً یکی از روش‌های بلند دین بویژه اسلام آن است که همه چیزش با هنر آمیخته شده و همراه با زیباترین آفرینش‌های هنری توانسته است حقایق بلند را شیرین جان مردم سازد و در اعماق وجود آنان جایگزین کند.

فلسفه قیام امام حسین علیه السلام

چرا مردم با اظهار این همه ارادت و دوستی نسبت به خاندان اهل بیت: از فلسفه قیام امام حسین علیه السلام اطلاع کافی ندارند؟ همان‌طور که گفته شد، هدف از عزاداری‌ها و مراسم محرم، احیای فلسفه عاشورا و استمرار بخشیدن به قیام خونین امام حسین علیه



السلام است و باید این مساله، محور سخنان گویندگان مذهبی باشد. البته گویندگان مذهبی همه یکسان و هم سطح نیستند؛ ولی همواره بسیاری از علما و دانشمندان دینی در پی احیای ابعاد مختلف اسلام از جمله قیام امام حسین علیه السلام و زدودن غبار خرافات از چهره دین و رویدادهای تاریخی اسلام بوده و هستند، لکن در برخی از مجامع نیز ممکن است به عللی آنان دور از دسترس مردم بوده، از این رو زمینه برای میداننداری عناصر دیگر فراهم گردد.

فلسفه گریه

گریه چیست و چرا انسان گریه می کند؟

گریه تجسم عینی تاثرات درونی و عاطفی است و دارای اقسام گوناگونی می باشد که هر یک آثار و نتایج ویژه ای دارند. از نظر روان شناسی گریه دارای اهمیت بسیاری است و فشار ناشی از عقده های انباشته در درون انسان را می کاهد و درمان بسیاری از آلام و رنج های درونی انسان می باشد. در حقیقت اشک چشم سوپاپ اطمینانی برای روح و جسم آدمی است که در شرایط بحرانی (اندوه و یا شادمانی فراوان) موجب تعادل او می گردد. از نظر عرفا نیز، گریه زیباترین و پرشکوه ترین جلوه تذلل بنده و اظهار عجز و تسلیم و عبودیت در پیشگاه معبود قادر متعال است.

گریه حضرت آدم بر امام حسین علیه السلام

آیا گریه کردن حضرت آدم بر امام حسین علیه السلام بیانگر جبر در زندگی انسانی است؟ این گونه حوادث یا علم پیشین الهی به افعال بندگان و پیشگویی آنها مستلزم جبر نیست. زیرا علم خدا در این موارد به چیزی Determinism تعلق گرفته که با اراده آزاد بندگان تحقق خواهد یافت. به عبارت دیگر تفکر جبرانکار بین علم پیشین الهی و فعل بندگان رابطه علت و معلولی می بیند. یعنی علم خدا را علت فرض می کند. زیرا



می بیند اگر آنچه خدا می داند انجام نشود نافی علم مطلق الهی می شود. چنانکه شاعر گوید: می خوردن من حق ز ازل می دانست گر می نخورم علم خدا جهل بود و این بیان همان رابطه ترتبی و علی است. در حالی که واقع قضیه خلاف این است. یعنی چون بندگان افعالی را با اراده خود انجام می دهند خداوند می داند و از جمله آنها عمل شمر، یزید و... با امام حسین علیه السلام است. بلی شمر، یزید و... آزادانه می توانستند امام حسین علیه السلام را به قتل نرسانند و اگر از اراده و اختیار خود چنین استفاده ای می نمودند، خدا هم می دانست که نمی کنند و اجبار هم نمی کرد و گریه آدم هم در کار نمی بود. سر این قضیه از نظر فلسفی آن است که خداوند فوق زمان و مکان است و برای او قبل و بعدی نیست، از این رو علم او به اعمال در همه زمانها شبیه علم ما به یک حادثه در زمان حال است و همچنان که چنین علمی موجب جبری بودن اعمال مورد مشاهده ما نیست، حضور عمل نزد خداوند نیز چنین است.

قمه زنی

فلسفه قمه زنی چیست و از چه زمانی شروع شده استقمه زنی فلسفه صحیح اسلامی ندارد و شروع آن قرن ها پس از حادثه عاشورا بوده است. و هیچ دلیل و مستند قابل قبولی برای آن وجود ندارد. افرادی قمه بر سر می زنند و برای مشروع جلوه دادن آن استناد به کار حضرت زینب می کنند که سر خود را به محمل زدند آیا این مطلب صحت دارد؟ و این توجیه درست است؟ در رابطه با قمه زنی نه تنها هیچ دستوری از ناحیه شرع بر آن نرسیده است بلکه در صورت مضر بودن برای نفس و بدتر از آن چهره نامعقولی از دین نشان دادن، قطعاً حرام و نامشروع است. در رابطه با روایتی که به حضرت زینب نسبت می دهند باید گفت: اولاً: اینکه حضرت زینب سر را به چوبه محمل زده باشد، در کتب معتبر تاریخی نیامده و ساخته و پرداخته برخی افراد فاقد معلومات است، خصوصاً که محدث محقق مرحوم حاج شیخ عباس قمی این مساله را صحیح نمی داند. ثانیاً: چنانچه



فرض کنیم که حضرت زینب به چنین عملی مبادرت کرده باشند، عمل حضرت زینب سلام الله علیها در چنین موردی حجت شرعی نیست، چرا که تنها سیره و عمل پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام می تواند ملاک عمل باشد. ثالثاً: اگر آن خبر صحت داشته باشد (که ندارد) ممکن است آن حضرت بدون اختیار و در اثر فشار و اندوه به چنین عملی مبادرت کرده باشد. در این صورت نیز این عمل قابل احتجاج نیست و نمی تواند ملاک عمل دیگران باشد.

آیا از همراهان امام حسین علیه السلام کسی زنده ماند؟

آنچه از بررسی کتب تاریخ به دست آمده این است که: هشت نفر از همراهان و یاران امام حسین علیه السلام زنده ماندند: ۱ - عقبه بن سلیمانوی غلام رباب، دختر امریء القیس، همسر امام حسین علیه السلام بود که او را به اسارت گرفتند و نزد عمر سعد بردند و چون از او پرسید: «تو کیستی؟» پاسخ داد: برده ای هستم. عمر سعد او را آزاد کرد. ۲ - مرقع بن قمامهاو را نیز به اسارت گرفتند و قبیله وی از عمر سعد برای او امان گرفتند و نزد عبیدالله زیاد بردند و عمر سعد ماجرای او را باز گفت و پسر زیاد او را به بحرین تبعید کرد و در آنجا سکونت گزید. ۳ - مسلم بن رباحوی نیز از همراهان امام حسین علیه السلام بود و پرستاری آن حضرت را می کرد. پس از شهادت آن حضرت زنده ماند و از کربلا گریخت. مسلم بن رباح از جمله کسانی است که قسمتهایی از ماجرای کربلا را نقل کرده است. ۴ - حسن بن حسنحسین بن حسن که مشهور به حسن مثنی است در روز عاشورا زخمی و مجروح گردید و با وساطت اسماء بن خارجه فزاری که در لشکر عمر سعد بود و با او خویشاوندی داشت، از کشتن او صرف نظر کردند، و او را به کوفه آوردند و معالجه کردند و پس از بهبودی به مدینه بازگشت. ۵ - عمر بن حسن. ۶ - قاسم بن عبدالله. ۷ - محمد بن عقیل. ۸ - زید بن حسن. اینان نیز به گفته برخی از اهل تاریخ در کربلا بودند، ولی زنده مانده و به شهادت نرسیدند. [۲].



سرهای شهدای کربلا را در کجا دفن کردند؟

روز یازدهم محرم سال ۶۱ هجری تمام سرهای شهدا که قریب به هفتاد سر بود را از بدن‌ها جدا نمودند. و به توسط شمر و عمرو بن حجاج و خولی و حمید بن مسلم و دیگران به کوفه فرستادند. ابن زیاد نیز سرهای شهدا را با حضرت زین العابدین و سایر اسرا توسط شمر و افراد دیگر به طرف شام برای یزید بن معاویه فرستاد. در مورد محل دفن سر مطهر سیدالشهدا پنج قول است: ۱- سر مقدس حضرت ابی عبدالله را یزید برای عمرو بن سعد به مدینه فرستاد و در بقیع نزد مادرش حضرت فاطمه دفن نمود. ۲- آن سر مقدس را سه روز در دمشق مصلوب نمودند، بعد در خزینه بنی امیه گذاردند تا زمان خلافت سلیمان بن عبدالملک بن مروان، سپس وی آن سر مطهر را در باب قرادیس شام دفن نمود. ۳- سر مطهر سیدالشهدا را در بالای سر پدرش امیرالمؤمنین در نجف اشرف دفن کردند. لذا زیارت آن سر مبارک در بالای سر حضرت علی مستحب است. ۴- حضرت امام سجاد علیه السلام آن سر مطهر را از شام به کربلا آورد و به بدن شریف آن حضرت ملحق ساخت. که این قول مشهور بین علمای شیعه است. [۳]. در مورد سر مطهر سایر شهدای کربلا نیز، می گویند امام سجاد علیه السلام جمیع سرهای آنها را از یزید گرفت و در کربلا به بدنهای آنها ملحق کرد. قول دیگر این است که سرهای دیگر شهدا را در قبرستان شام دفن نمودند. که فعلا نیز در قبرستان شام قبه عالیه ای است که منسوب به رؤوس شهدای کربلا است و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت در آنجا به زیارت این سرهای مطهر می روند. [۴].

آیا کسی از سپاه امام حسین علیه السلام به لشکر یزید پیوست؟

در هیچ یک از منابع تاریخی معتبر ذکر نشده است که اصحاب و یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا از وی جدا شده و به لشکر یزید ملحق شده باشند. بلکه همه



یاران و اصحاب، پیشنهاد آن حضرت را درباره رفتن نپذیرفتند و همگی آمادگی خود را برای جانبازی و شهادت در راه فرزند پیغمبر اعلام کردند. آری، آنچه مسلم است این است که پس از رسیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل، امام حسین علیه السلام در منزل «زباله» به همراهانش فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم: اما بعد، فانه قد اتانا خبر فظيع، قتل مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و عبدالله بن یقطر وقد خذلتنا شيعتنا فمن احب منكم الانصراف فلینصرف، لیس علیه منا ذمام» خبر بس تاثر انگیزی به ما رسیده است و آن، کشته شدن مسلم بن عقیل و هانی بن عروه [۵] و عبدالله بن یقطر است. شیعیان ما دست از یاری ما برداشتند و اینک هر یک از شما که بخواهد برگردد آزاد است و از سوی ما حقی بر گردنش نیست». در این میان اعرابی که در بین راه به آن حضرت ملحق شده بودند، برگشتند. تنها تعدادی از یاران خاصش که از مدینه به همراه او آمده بودند باقی ماندند. شهید مطهری می‌فرماید: «کسی از اصحاب و یاران امام حسین علیه السلام با توجه به گرفتاری که داشتند به لشکر دشمن ملحق نشدند» [۶].

آیا امام حسین علیه السلام آغازگر جنگ بود؟

لشکر عمر سعد در روز عاشورا گرداگرد لشکر و خیمه‌های امام حسین علیه السلام به گشت زنی مشغول شدند. از هر طرف که می‌رفتند خندقی پر از شعله‌های آتش در اطراف خیمه‌ها می‌دیدند. در این هنگام شمر علیه اللعنه با صدای بلند فریاد زد: ای حسین! پیش از آنکه قیامت فرا رسد در رفتن به آتش دوزخ شتاب کردی! حضرت فرمود: گویا گوینده این سخن شمر است. گفتند: بلی یا بن رسول الله! فرمود: ای پسر زن بز چران تو به آتش دوزخ سزاورتری. مسلم بن عوسجه که در کنار امام حسین علیه السلام قرار گرفته بود گفت: بن رسول الله! شمر در تیر راس من است اجازه بده تا او را به جهنم واصل کنم. امام علیه السلام پاسخ داد: انی اکره ان ابداهم بالقتال من خوش ندارم که آغازگر جنگ باشم بعد سخنرانی‌های امام علیه السلام در روز عاشورا زمینه و مقدمات



جنگ فراهم شد. حر بن یزید ریاحی با شنیدن استغاثه امام حسین علیه السلام از خواب غفلت بیدار شد و به لشکر حق پیوست. در این هنگام عمر سعد تیری به کمان گذاشت و به سوی سپاه ابا عبد الله علیه السلام رها کرد و گفت: نزد امیر ابن زیاد شاهد باشید که من پیش از همه جنگ را شروع کردم در نتیجه عمر سعد رسماً با انداختن تیری به سوی سپاه ابا عبد الله علیه السلام جنگ را آغاز کرد و این خود نشان دهنده این است که امام علیه السلام جنگ را آغاز نکرد بلکه از شروع به جنگ کراهت نشان می داد

شهدای اهل بیت امام حسین علیه السلام در صحنه جنگ کربلا چند نفر بودند؟

آنچه تاریخ ثبت کرده است این است که تعداد هفده نفر از اهل بیت امام حسین علیه السلام به غیر از خود امام حسین علیه السلام در صحنه جنگ حضور داشتند و به شهادت رسیدند: ۱ - دو نفر از فرزندان امام حسین علیه السلام به نامهای علی اکبر و علی اصغر سلام الله علیهما که در زیارات به علی و عبدالله مذکور است. ۲ - قاسم بن حسن، عبدالله بن حسن و ابوبکر بن حسن سلام الله علیهم که هر سه نفر از فرزندان برادرش امام حسن مجتبی بودند. ۳ - حضرت ابوالفضل العباس، عبدالله، جعفر، عثمان و محمد بن علی سلام الله علیهم از برادران امام حسین علیه السلام. ۴ - دو نفر از فرزندان حضرت زینب به نامهای عون و محمد سلام الله علیهما. ۵ - پنج نفر از اولاد عقیل به نامهای عبدالله بن مسلم بن عقیل، محمد بن مسلم بن عقیل، جعفر بن عقیل، عبدالرحمن بن عقیل و محمد بن ابی سعید بن عقیل. [۷].

آیا امام باقر، روز عاشورا در کربلا حضور داشت؟

آنچه از بررسی تاریخ عاشورا به دست می آید این است که امام باقر علیه السلام به اتفاق پدرش حضرت امام سجاد علیه السلام در کربلا حضور داشت و سن مبارکش در آن وقت چهار سال بود، چون آن حضرت در سال پنجاه و هفت در مدینه منوره متولد



شد و واقعه کربلا در سال ۶۱ هجری اتفاق افتاد. محدث قمی می گوید: «امام باقر علیه السلام در واقعه کربلا حضور داشت و در آن وقت چهار سال از سن مبارکش گذشته بود.» [۸]. در منتخب التواریخ آمده است: «روز عاشورا امام زین العابدین علیه السلام بیست و دو ساله بوده و امام محمد باقر علیه السلام چهار ساله بوده و هر دو در کربلا بودند و حق تعالی ایشان را محفوظ داشت.» [۹].

دفن اجساد شهدا در کربلا توسط چه کسانی انجام گرفت؟

هنگامی که عمر سعد از کربلا خارج شد، جمعی از طایفه بنی اسد که در غاضریه سکونت داشتند به قتلگاه شهدا وارد شدند و پس از اقامه نماز بر اجساد شهدا، آنان را دفن نمودند. به این طریق که امام حسین علیه السلام را در همین موضعی که اکنون معروف است دفن کردند و فرزندش علی اکبر را در پایین پای پدر به خاک سپردند و بقیه شهدا (مگر چند نفر معینی) را در زیر قدم آن حضرت دفن نمودند و حضرت عباس را در راه غاضریه در مکانی که به شهادت رسیده بود به خاک سپردند. اما طبق احادیث صحیحه، امام را جز امام نمی تواند غسل و کفن و دفن نماید، لذا روایت داریم که گرچه به حسب ظاهر طایفه بنی اسد حضرت سیدالشهدا را دفن کردند اما در واقع امام زین العابدین علیه السلام آمد و آن حضرت را دفن کرد. چنانچه حضرت رضا علیه السلام به این مطلب تصریح فرموده است. [۱۰].

عاقبت شمر بن ذی الجوشن چه شد؟

شمر بن ذی الجوشن، جانی شماره یک حادثه کربلا، پس از جنگ شورشیان کوفه با مختار، که فرماندهی چند گروه را به عهده داشت از کوفه متواری شد و فرار را برقرار ترجیح داد. اما مختار در تعقیب این عنصر خبیث بود. لذا ابو عمره که از افراد بسیار ارزنده و از یاران صمیمی مختار بود و کینه قاتلان حسین بن علی را در دل داشت، از



طرف مختار مامور کشتن شمر شد. ابو عمره با گروهی به تعقیب شمر رفت و او را در یکی از روستاهای بصره پیدا نمود. ابو عمره طی یک درگیری مسلحانه، شمر را زخمی کرد و سپس به اسارت خود در آورد. او را به نزد مختار آورد، مختار دستور داد او را گردن زدند و جسد او را در دیگ روغن جوشیده قرار دادند و یکی از اطرافیان مختار، سر شمر را با پای خود لگد کوب کرد. [۱۱]. شمر بن ذی الجوشن، از سران و شجاعان مردم کوفه بود که در زمان حضرت علی از شیعیان و طرفداران حضرتش به شمار می آمد و در جنگ صفین در رکاب علی با سپاه معاویه جنگید و شجاعت خوبی از خود نشان داد. اما شمر همانند بسیاری از مردم کوفه، در راه خود استوار نماند و به خاطر روح نفاقی که در او وجود داشت، جزء دشمنان خاندان رسالت در آمد و به حکومت اموی پیوست.

عاقبت ابن زیاد چه شد؟

ابن زیاد جانی شماره دو حادثه کربلا که در شام به سر می برد، از طرف عبدالملک مروان که تازه قدرت شام را به دست گرفته بود برای مسلط شدن بر عراق، مامور سرکوبی قیام مختار شد. مختار نیروهایش را آماده کرد و فرماندهی کل آنان را به ابراهیم بن مالک اشتر داد. این دو لشکر با هم درگیر شدند و ابراهیم اشتر با شجاعتی که داشت، لشکر ابن زیاد را متواری ساخت و تعدادی از فرماندهان و سربازان او را به درک واصل کرد. تا سرانجام به سر وقت ابن زیاد، - این عنصر کثیف بنی امیه - رفت و با ضربت شمشیر خود، او را دو نیم ساخت و سر بریده اش را برای مختار به هدیه آورد و جسد آن خبیث را با آتش سوزاندند. ابن زیاد در آن روز ۳۹ سال داشت. روز جنگ لشکریان مختار با ابن زیاد، روز عاشورای سال ۶۷ هجری و روز کشته شدن ابن زیاد به دست توانای ابراهیم اشتر درست روز عاشورا بود. این یک اتفاق تصادفی نیست، بلکه خداوند خواسته بود که درست در همان روز که امام حسین علیه السلام به دست



نیروهای ابن زیاد، مظلومانه به شهادت رسید، در همان روز انتقام خون آن مظلوم را از قاتل او بگیرد. «و انها لعبرة لاولی الابصار» تا عبرتی باشد برای صاحبان خرد.

عاقبت عمر سعد چه شد؟

مختار در آن روزهایی که دست به انتقام خون شهدای کربلا زد، نسبت به «عمر سعد» بیش از همه حساس بود، از طرفی، قبلا به خاطر مصالحی امان‌نامه‌ای به «عمر سعد» داده بود و از طرف دیگر عمر سعد هم بهانه‌ای به دست مختار نداده و در شورش علیه مختار، شرکت نکرده بود از این جهت قدری دستگیری و مجازات وی به تاخیر افتاد. هنگامی که عمر سعد متوجه شد که مختار در صدد دستگیری و مجازات او است، شبانه از کوفه پا به فرار گذاشت. در بیرون شهر کوفه با شخصی روبرو شد و قضیه فرار را برای او نقل کرد. آن مرد تمیمی عمر سعد را از فرار منصرف کرد و عمر سعد به منزل خود برگشت. مختار باخبر شد که عمر سعد به قصد فرار به خارج شهر رفته و برگشته است. مختار خوشحال شد و این حادثه را بهانه گرفت. لذا کسی را به دنبال «حفص» فرزند عمر سعد فرستاد. او فوراً به نزد مختار آمد. مختار از پدرش عمر سعد سؤال کرد، حفص گفت: پدرم در خانه است. مختار «ابوعمره» را مأمور جلب عمر سعد کرد. ابوعمره فوراً حرکت کرد و «عمر سعد» را برای مختار جلب کرد. عمر سعد که ترسیده بود گفت جبه‌ام را بیاورید. [۱۲]. ابوعمره از منظورش آگاه شد و مهلتی به او نداد، و شمشیر برنده خود را بر فرق عمر سعد فرود آورد و او را به درک واصل کرد. بعد سرش را از بدنش جدا کرد و برای مختار آورد. مختار رو کرد به «حفص» فرزند آن جنایتکار و گفت: این سر کیست؟ گفت: این سر پدرم است. مختار در همانجا دستور داد که سر «حفص» فرزند عمر سعد را نیز جدا کنند و او را به پدرش ملحق نمایند. بدین صورت عمر سعد و فرزندش به سزای اعمال خود رسیدند.



چرا سوگواری کنیم؟

اشاره

می گویند اگر امام حسین علیه السلام پیروز شد چرا جشن نمی گیریم چرا گریه می کنیم؟ آیا این همه گریه در برابر آن پیروزی بزرگ شایسته است؟ آنهایی که چنین سؤالی می کنند، فلسفه عزاداری را نمی دانند و آن را با گریه های ذلیلانه اشتباه می کنند. اصولاً گریه و جریان قطره های اشک از چشم که دریچه قلب آدمی است چهار گونه است:

گریه های شوق

گریه مادری که از دیدن فرزند دلبنده گمشده خویش پس از چندین سال، سر داده می شود، یا گریه شادی آفرین و رضایت بار عاشق پاکبازی که پس از یک عمر محرومیت معشوق خود را می یابد، گریه شوق است. قسمت زیادی از حماسه های کربلا شوق آفرین و شورانگیز است و به دنبال آن سیلاب اشک شوق به خاطر آن همه رشادتها، فداکاریها، شجاعتها، آزاد مردیها، و سخنرانیهای آتشین مردان و زنان به ظاهر اسیر، از دیدگان شنونده سرازیر می گردد، آیا این گریه دلیل بر شکست است؟

گریه های عاطفی

آنچه در درون سینه انسان جای دارد، قلب است نه سنگ! و این قلب که ترسیم کننده امواج عواطف انسانی است به هنگام مشاهده منظره کودک یتیمی که در آغوش مادر در یک شب سرد زمستانی از فراق پدر جان می دهد به لرزه در می آید و با سرازیر کردن سیلاب اشک، خطوط این امواج را در صفحه صورت ترسیم می کند و نشان می دهد قلبی زنده و سرشار از عواطف مردمی است. آیا اگر با شنیدن حادثه جان سپردن



یک طفل شیرخوار در آغوش پدر، و دست و پا زدن در میان سیلاب خون در حادثه کربلا، قلبی بتپد، و شراره‌های آتشین خود را به صورت قطره‌های اشک به خارج پرتاب کند، نشانه ضعف و ناتوانی است یا دلیل است بر بیداری آن قلب پر احساس؟

گریه پیوند هدف

گاهی قطره‌های اشک پیام آور هدفهاست، آنها که می‌خواهند بگویند با مرام امام حسین علیه السلام همراه و با هدف او هماهنگ و پیرو مکتب او هستیم، ممکن است این کار را با دادن شعارهای آتشین، با سرودن اشعار و حماسه‌ها ابراز دارند، اما گاهی ممکن است آنها ساختگی باشد، ولی آن کس که احیانا با شنیدن این حادثه جانسوز قطره اشکی از درون دل، بیرون می‌فرستد، صادقانه‌تر، این حقیقت را بیان می‌کند، این قطره اشک، اعلان وفاداری به اهداف مقدس یاران امام حسین علیه السلام و پیوند دل و جان با آنها است، اعلان جنگ با بت پرستی و ظلم و ستم، اعلان بیزاری از آلودگیهاست، و آیا این نوع گریه - بدون آشنائی با اهداف پاک او - ممکن است؟

گریه ذلت و شکست

گریه افراد ضعیف و ناتوانی است که از رسیدن به اهداف خود وامانده‌اند و روح و شهامتی برای پیشرفت در خود نمی‌بینند، می‌نشینند و عاجزانه گریه سر می‌دهند، هرگز برای امام حسین علیه السلام چنین گریه‌ای مکن که او از این گریه بیزار و متنفر است، اگر گریه می‌کنی گریه شوق، عاطفه، و پیوند هدف باشد. ولی مهمتر از سوگواری، آشنایی به مکتب امام حسین علیه السلام و یاران او و پیوستگی عملی به اهداف آن بزرگوار است، که پاک بودن و پاک زیستن و درست اندیشیدن و عمل کردن می‌باشد.

آیا می‌دانید که



- ۱- به دستور عمر سعد ده نفر برای اسب راندن بر پشت وسینه امام حسین علیه السلام داوطلب شدند؟ ۲- ده نفری که اسب بر امام حسین (ع) راندند همه ولدالزنا بودند؟ ۳- تعداد سرهای بریده شده در کربلا ۷۸ سر بود؟ ۴- امام حسین علیه السلام سرزمین کربلا را خریده، سپس به اهالی آنجا بخشیدند؟ ۵- یزید به ولید نامه نوشت یا از حسین بیعت بگیر، یا گردنش را بزن؟ ۶- بعد از شهادت امام حسین علیه السلام آسمان خون بارید؟ ۷- بعد از شهادت امام حسین علیه السلام از زیر هر سنگی خون می جوشید؟ ۸- در یک روز ۶۰۰ نامه برای حضرت نوشتند که آقا بیا؟ ۹- ابن زیاد ۱۰۰۰ سواره و ۵۰۰ پیاده برای دستگیری مسلم بن عقیل فرستاد؟ ۱۰- بعد از آنکه حارث سر برادر بزرگتر دو طفلان مسلم را برید و او را در شط فرات انداخت، بدن روی آب منتظر برادر کوچکتر بود تا آنکه یکدیگر را در آغوش گرفته و به زیر آب رفتند؟ ۱۱- مسلم بن عقیل ۲۷ روز قبل از شهادتش به امام حسین علیه السلام نامه نوشت که یابن رسول الله ۸۰ هزار نفر از اهل کوفه با تو بیعت کردند پس بشتاب به سوی ما؟ ۱۲- سر امام حسین علیه السلام در صد و بیست محل سخن گفت؟ ۱۳- حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در مجالس و محافلی که به نام امام حسین علیه السلام منعقد می شود شرکت می کنند؟ ۱۴- تشکیل و برگزاری مجالس و محافل روضه خوانی به نام ائمه علیهم السلام بویژه امام حسین علیه السلام چه فوایدی در بر دارد؟ ۱۵- امام حسین علیه السلام را به خاطر عداوت با پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام شهید کردند؟ ۱۶- خداوند متعال عوض شهادت امام حسین علیه السلام- امامت را در نسل ذریه اش نهاد؟- تربت او را شفای هر بیماری نمود؟- هر دعائی در حرم او شود مستجاب می گردد؟- روزهایی که زائر او به زیارتش می رود - چه رفت، و چه برگشت - جزء روزهای عمرش حساب نمی شود؟ ۱۷- خاک کربلا معطر است؟ ۱۸- در کربلا قبل از امام حسین علیه السلام دو بیست نبی و دو بیست وصی نبی و دو بیست سبط نبی به شهادت رسیده اند؟ ۱۹- اگر امام زمان علیه السلام ظهور فرماید نوادگان قاتلان امام حسین علیه السلام را به خاطر عمل



پدرانشان می کشد؟ ۲۰ - امام حسین علیه السلام مکان اصحابش را قبل از شهادت به آنها نشان داد؟ ۲۱ - اصحاب امام حسین علیه السلام برای شهید شدن با یکدیگر مسابقه می دادند؟ ۲۲ - زیارت امام حسین علیه السلام، در سال برای اغنیا دو بار و برای فقرا یکبار، واجب است؟ ۲۳ - امام حسین علیه السلام در شیرخوارگی مطالعه لوح محفوظ می نمود؟ ۲۴ - امام حسین علیه السلام در شش ماهگی متولد شده است؟ ۲۵ - امام حسین علیه السلام بعد از تولد تسبیح و تهلیل و تمجید خدا می نمود؟ ۲۶ - نامگذاری امام حسین علیه السلام توسط خدا بوده است؟ ۲۷ - امام حسین علیه السلام بعد از تولد، شفاعت یکی از ملائکه مقربین به نام صلصائیل نمود؟ ۲۸ - امام حسین علیه السلام بعد از تولد، شفاعت فطرس (یکی از ملائکه حمله عرش) نمود؟ ۲۹ - فطرس افتخار می نمود که آزاد شده حسین علیه السلام است؟ ۳۰ - اولین عزاداری برای امام حسین علیه السلام توسط خدا انجام شد؟ ۳۱ - امیرالمؤمنین علیه السلام به سعد بن ابی وقاص فرمود: در خانه تو بز بچه ای است که فرزند مرا می کشد و آن روز عمر بن سعد چهار دست و پا راه می رفت؟

پاورقی

[۱] بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰، دعوات راوندی: ۱۸، ارشاد القلوب: ۹۰ و ۱۴۸، اعلام الدین: ۲۷۸، عدة الداعی: ۲۹ و ۴۰ و ۲۰۳.

[۲] رجوع شود به کتاب زندگانی امام حسین ۱۷۷ سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۵۴۸.

[۳] به غیر از دو نفر که یکی فرزند شیرخوار امام حسین (ع) جناب علی اصغر، و دیگری سر جناب حربن یزید ریاحی که قبیله اش جسد او را از میان شهدا بیرون بردند. منتخب التواریخ، ص ۲۷۴.

[۴] منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۴۰، منتخب التواریخ، ص ۲۳۹ - ۲۳۸.



- [۵] منهاج الدموع، ص ۴۰۳.
- [۶] تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۹۴، ارشاد مفید، ص ۲۲۳.
- [۷] حماسه حسینی، ج ۳، ص ۷۴.
- [۸] منتهی الامال، ج ۱ ص ۴۰۰.
- [۹] منتهی الامال، ج ۲، ص ۸۶.
- [۱۰] منتخب التواریخ، ص ۲۹۷.
- [۱۱] منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۰۶، ۴۰۵ - بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۳۸.
- [۱۲] منظور عمر سعد از جبه شمشیر بود.